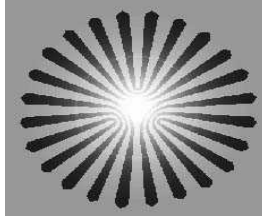


اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ



دانشگاه پیام نور  
مرکز همدان

پایان نامه  
برای دریافت درجه کارشناسی ارشد  
در رشته تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت

دانشکده ادبیات و علوم انسانی  
گروه علمی علوم تربیتی

عنوان پایان نامه:

بررسی جایگاه تفکر انتقادی در محتوای کتاب مطالعات اجتماعی  
دوره متوسطه

استاد راهنما:

دکتر یحیی معروفی

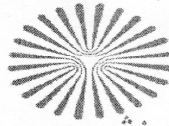
استاد مشاور:

دکتر سید محمد شبیری

نگارش:

رحیم یعقوبی

آبان ۱۳۸۸



پژوه پیام نور

مرکز همدان

بسمه تعالی

### تصویب پایان نامه

پایان نامه تحت عنوان بررسی جایگاه تفکر انتقادی در محتوای کتاب مطالعات اجتماعی دوره متوسطه که در مرکز همدان تهیه و به هیات داوران ارائه گردیده است مورد تأیید می باشد. تاریخ دفاع: ۱۳۸۸، ۸، ۸

نمره: ۱۹،۲۵ درجه ارزشیابی: عالی

اعضای هیات داوران:

نام و نام خانوادگی	هیات داوران	مرتبۀ علمی	امضاء
۱- آقای دکتر یحیی معروفی	استاد راهنما	استادیار	
۲- آقای دکتر سید محمد شبیری	استاد مشاور	استادیار	
۳- آقای دکتر مهران فرج الهی	استاد داور	استادیار	
۴- آقای دکتر محمد رضا سرمدی	نماینده گروه علمی	استادیار	
۵- آقای دکتر عباس امینی منش	نماینده تحصیلات تکمیلی	استادیار	

## تقدیم به:

دستان پینه بسته پدر بزرگوارم، و مادر دلسوز و مهربانم  
که دعاهای خیرشان بدرقه راهم در تمام لحظات زندگی ام بوده است.

و

همسرو فادار و شانه گل باغ زندگی ام  
که با همراهی خود در انجام این پژوهش، صبورانه مرایاری کرده اند.

## تقدیر و تشکر:

از استاد راهنمای محترم و فرزانه جناب آقای دکتر یحیی معروفی که صبورانه با ارائه راهنمایی‌های ارزنده‌ی خود در تمام مراحل این پژوهش موجبات غنی تر شدن آن را فراهم آورده اند، کمال تقدیر و تشکر را دارم. همچنین از استاد مشاور محترم و ارجمند جناب آقای دکتر سید محمد شبیری که نظرات ارزشمندشان در این پژوهش بسیار راهگشا بوده است، سپاسگزارم.

همچنین از تمام اساتید بزرگوار دانشگاه، به خصوص جناب آقای دکتر یوسف زاده که در طی مدت تحصیل نکات ارزشمندی را از آنها یاد گرفته‌ام، کمال تقدیر و تشکر را دارم.

و از تمام افرادی که به نحوی در به ثمر رسیدن این پژوهش مرایاری کرده اند، سپاسگزاری می‌نمایم.

## چکیده:

پژوهش حاضر با عنوان « بررسی جایگاه تفکر انتقادی در محتوای کتاب مطالعات اجتماعی دوره متوسطه» انجام شده است. هدف اصلی این پژوهش شناسایی میزان توجه به پرورش مهارت های تفکر انتقادی در محتوای کتاب مطالعات اجتماعی سال اول دوره متوسطه می باشد. و درصدد پاسخگویی به این سؤال اصلی است که تا چه حد محتوای کتاب مطالعات اجتماعی دوره متوسطه بر پرورش مهارت های تفکر انتقادی تأکید دارد؟ پژوهش حاضر دارای ۹ سوال فرعی به ترتیب زیر می باشد. تا چه حد محتوای کتاب مطالعات اجتماعی دوره متوسطه بر مهارت های سؤال کردن، تحلیل و ارزیابی، استدلال کردن، ارزیابی شواهد و اظهارات، تفسیر کردن، جمعی بودن، قضاوت صحیح درباره مسائل، منطقی بودن و صراحت داشتن تأکید دارد؟

جامعه آماری کل محتوای کتاب مطالعات اجتماعی سال اول دوره متوسطه می باشد و به علت محدود بودن جامعه آماری نمونه گیری صورت نگرفته است. ابزار جمع آوری اطلاعات چک لیست محقق ساخته بر اساس مؤلفه های مورد نظر آقای ماتيو لیپمن می باشد. اطلاعات و داده ها پس از جمع آوری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از روش تحلیل محتوا استفاده شد. و از شاخص های آمار توصیفی (جدول فراوانی، درصد فراوانی و رسم نمودار فراوانی) برای محاسبات و نتیجه گیری استفاده گردید. از تجزیه و تحلیل اطلاعات یافته های ذیل به دست آمد:

محتوای کتاب مطالعات اجتماعی دوره متوسطه تا حد زیادی بر پرورش مهارت های سؤال کردن، تحلیل و ارزیابی، ارزیابی شواهد و اظهارات، جمعی بودن و منطقی بودن تأکید داشته است. اما در حد متوسطی بر پرورش مهارت های استدلال کردن، تفسیر کردن، قضاوت صحیح درباره مسائل و صراحت داشتن تأکید داشته است. بنابراین در مجموع می توان گفت محتوای کتاب مطالعات اجتماعی سال اول دوره متوسطه در حد متوسط متمایل به زیادی بر پرورش مهارت های تفکر انتقادی تأکید داشته است.

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
<b>فصل اول: کلیات تحقیق</b>	
۱۳	۱-۱- مقدمه .....
۱۴	۲-۱- بیان مسأله .....
۱۶	۳-۱- اهمیت و ضرورت مسأله .....
۱۹	۴-۱- اهداف پژوهش .....
۲۰	۵-۱- سؤالات پژوهش .....
۲۱	۶-۱- تعاریف مفهومی و عملیاتی متغیرهای پژوهش .....
<b>فصل دوم: پیشینه تحقیق</b>	
<b>مبانی نظری پژوهش</b>	
۲۵	۱-۲- مقدمه .....
۲۶	۲-۲- مفهوم تفکر .....
۲۷	۳-۲- انواع تفکر .....
۲۸	۴-۲- مفهوم تفکر انتقادی .....
۳۰	۵-۲- تعاریف تفکر انتقادی .....
۳۳	۶-۲- تاریخچه تفکر و تفکر انتقادی .....
۳۹	۷-۲- رویکردهای فلسفی انتقادی .....
۴۴	۸-۲- مؤلفه ها و عناصر تفکر انتقادی .....
۴۶	۹-۲- ویژگی های تفکر انتقادی .....
۵۵	۱۰-۲- مهارت های تفکر انتقادی .....
۶۰	۱۱-۲- روش های یادگیری مهارت های تفکر انتقادی .....
۶۱	۱-۱۱-۲- فراهم کردن فرصت و موقعیت مناسب برای تدریس تفکر انتقادی .....
۶۵	۲-۱۱-۲- روش تدریس .....
۶۷	۳-۱۱-۲- فعالیت های کلاس درس .....

۷۴	..... ۲-۱۱-۴- مشخصات تکالیف نوشتاری اثر بخش
۷۷	..... ۲-۱۱-۵- عوامل بستر ساز تفکر انتقادی
۷۹	..... ۲-۱۱-۶- چهارچوب تفکر انتقادی برای هرآموزشی
۸۳	..... ۲-۱۲- رابطه محتوا با تفکر انتقادی
۸۴	..... ۲-۱۳- آثار تفکر انتقادی
۸۴	..... ۲-۱۳-۱- آثار منفی تفکر انتقادی
۸۷	..... ۲-۱۳-۲- آثار مثبت و سازنده تفکر انتقادی
۹۰	..... ۲-۱۴- معرفی الگوی لیپمن
۹۱	..... ۲-۱۴-۱- نکات اساسی و اصول تربیتی الگوی لیپمن

#### مبانی تجربی پژوهش

۱۰۰	..... ۲-۱۵- پیشینه تحقیقات
۱۰۰	..... ۲-۱۵-۱- تحقیقات داخلی
۱۰۴	..... ۲-۱۵-۲- تحقیقات خارجی

#### فصل سوم: روش شناسی تحقیق

۱۰۸	..... ۳-۱- مقدمه
۱۰۸	..... ۳-۲- روش تحقیق
۱۰۹	..... ۳-۳- جامعه آماری
۱۰۹	..... ۳-۴- نمونه آماری و روش نمونه گیری
۱۰۹	..... ۳-۵- ابزار جمع آوری اطلاعات
۱۱۰	..... ۳-۶- روایی ابزار اندازه گیری
۱۱۰	..... ۳-۷- پایایی ابزار اندازه گیری
۱۱۱	..... ۳-۸- روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

#### فصل چهارم: تجزیه و تحلیل یافته های تحقیق

۱۱۷	..... ۴-۱- مقدمه
۱۱۷	..... ۴-۲- تجزیه و تحلیل اطلاعات



۱۱۷	..... ۳-۴- معرفی شمای کلی کتاب مطالعات اجتماعی
۱۲۰	..... ۴-۴- توصیف مشخصات عمومی داوران
۱۲۰	..... ۴-۴-۱- جنسیت داوران
۱۲۱	..... ۴-۴-۲- سابقه تدریس
۱۲۱	..... ۴-۵- تجزیه و تحلیل سؤالات به تفکیک سؤال
۱۲۲	..... ۴-۵-۱- تجزیه و تحلیل مهارت سؤال کردن
۱۲۴	..... ۴-۵-۲- تجزیه و تحلیل مهارت تحلیل و ارزیابی
۱۲۶	..... ۴-۵-۳- تجزیه و تحلیل مهارت استدلال کردن
۱۲۸	..... ۴-۵-۴- تجزیه و تحلیل مهارت ارزیابی شواهد و اظهارات
۱۳۰	..... ۴-۵-۵- تجزیه و تحلیل مهارت تفسیر کردن
۱۳۲	..... ۴-۵-۶- تجزیه و تحلیل مهارت جمعی بودن
۱۳۴	..... ۴-۵-۷- تجزیه و تحلیل مهارت قضاوت صحیح درباره مسائل
۱۳۶	..... ۴-۵-۸- تجزیه و تحلیل مهارت منطقی بودن
۱۳۸	..... ۴-۵-۹- تجزیه و تحلیل مهارت صراحت داشتن
۱۴۰	..... ۴-۵-۱۰- تجزیه و تحلیل مهارت های تفکر انتقادی

### فصل پنجم: بحث و نتیجه گیری

۱۴۲	..... ۵-۱- مقدمه
۱۴۴	..... ۵-۲- نتیجه گیری به تفکیک سؤالات
۱۴۹	..... ۵-۲-۱- جمع بندی نهایی
۱۵۰	..... ۵-۳-۳- پیشنهادات مبتنی بر یافته های پژوهش
۱۵۰	..... ۵-۳-۱- پیشنهادات کاربردی
۱۵۱	..... ۵-۳-۲- پیشنهادات پژوهشی
۱۵۱	..... ۵-۴- محدودیت های پژوهش

۱۵۲	..... منابع
-----	-------------

۱۵۷	..... پیوست ها
-----	----------------

## فهرست جداول، نمودارها و اشکال

### جداول

صفحه

عنوان

### فصل دوم

جدول ۲-۵-۱- مقایسه تفکر عادی و تفکر انتقادی از دیدگاه ماتیو لیمن ..... ۳۳

### فصل سوم

جدول ۳-۶-۱- تعیین روایی محتوایی کتاب مطالعات اجتماعی دوره متوسطه ..... ۱۱۲

### فصل چهارم

جدول ۴-۴-۱- توزیع فراوانی و درصد داوران بر حسب جنسیت ..... ۱۲۰

جدول ۴-۴-۲- توزیع فراوانی و درصد داوران بر حسب سابقه تدریس ..... ۱۲۱

جدول ۴-۵-۱- تجزیه و تحلیل مهارت سؤال کردن ..... ۱۲۲

جدول ۴-۵-۲- تجزیه و تحلیل مهارت تحلیل و ارزیابی ..... ۱۲۴

جدول ۴-۵-۳- تجزیه و تحلیل مهارت استدلال کردن ..... ۱۲۶

جدول ۴-۵-۴- تجزیه و تحلیل مهارت ارزیابی شواهد و اظهارات ..... ۱۲۸

جدول ۴-۵-۵- تجزیه و تحلیل مهارت تفسیر داده ها ..... ۱۳۰

جدول ۴-۵-۶- تجزیه و تحلیل مهارت جمعی بودن ..... ۱۳۲

جدول ۴-۵-۷- تجزیه و تحلیل مهارت قضاوت صحیح درباره مسائل ..... ۱۳۴

جدول ۴-۵-۸- تجزیه و تحلیل مهارت منطقی بودن ..... ۱۳۶

جدول ۴-۵-۹- تجزیه و تحلیل مهارت صراحت داشتن ..... ۱۳۸

## نمودارها

### فصل چهارم

- نمودار ۴-۴-۱ توزیع فراوانی داوران بر حسب جنسیت ..... ۱۲۰
- نمودار ۴-۴-۲ توزیع فراوانی داوران بر حسب سابقه تدریس ..... ۱۲۱
- نمودار ۴-۵-۱ توزیع فراوانی میزان تأکید بر مهارت سؤال کردن ..... ۱۲۳
- نمودار ۴-۵-۲ توزیع فراوانی میزان تأکید بر مهارت تحلیل و ارزیابی ..... ۱۲۵
- نمودار ۴-۵-۳ توزیع فراوانی میزان تأکید بر مهارت استدلال کردن ..... ۱۲۷
- نمودار ۴-۵-۴ توزیع فراوانی میزان تأکید بر مهارت ارزیابی شواهد و اظهارات ..... ۱۲۹
- نمودار ۴-۵-۵ توزیع فراوانی میزان تأکید بر مهارت تفسیر داده ها ..... ۱۳۱
- نمودار ۴-۵-۶ توزیع فراوانی میزان تأکید بر مهارت جمعی بودن ..... ۱۳۳
- نمودار ۴-۵-۷ توزیع فراوانی میزان تأکید بر مهارت قضاوت صحیح درباره مسائل ..... ۱۳۵
- نمودار ۴-۵-۸ توزیع فراوانی میزان تأکید بر مهارت منطقی بودن ..... ۱۳۷
- نمودار ۴-۵-۹ توزیع فراوانی میزان تأکید بر مهارت صراحت داشتن ..... ۱۳۹
- نمودار ۴-۵-۱۰ درصد تأکید کل کتاب بر پرورش مهارت های تفکر انتقادی ..... ۱۴۰

## اشکال

### فصل دوم

- تصویر ۲-۱۱-۱-۱-۱ روش های تقسیم بندی کلاس های بزرگ به گروه های کوچک ..... ۶۴
- شکل ۲-۱۱-۶-۱-۱ مدل ۵ قدمی آموزش تفکر انتقادی ..... ۷۹

# فصل اول

## کلیات تحقیق

شاید مهمترین هدف تعلیم و تربیت پرورش قوه تفکر در دانش آموزان باشد. بدین منظور معلمان باید از عملکرد تفکر اطلاع داشته باشند (گلاور<sup>۱</sup>، برونینگ<sup>۲</sup>، ترجمه خرازی، ۱۳۸۳، ص ۱۰). مریان بزرگ تفکر را مبنا و اساس تعلیم و تربیت قرار می دهند و رشد قوه تفکر را هدف عمده موسسات تربیتی تلقی می کنند (شریعتمداری، ۱۳۸۲، ص ۳۷۹). آغاز تفکر هنگامی است که انسان با سؤال یا مسأله یا موقعیت نامعینی روبرو می شود. تفکر زیر بنا و اساس تربیت و محور اساسی و مشترک علم و فلسفه است (سلیمانپور، ۱۳۸۳، ص ۸۹). تفکر دارای شیوه های گوناگونی است که یکی از آنها، تفکر انتقادی است. ماتیو لیپمن<sup>۳</sup> معتقد است تفکر انتقادی، تفکری ماهرانه و مسئولیت پذیر است که قضاوت صحیح را تسهیل می سازد. زیرا: الف) روی ملاک ها تأکید دارد. ب) خود تصحیح کننده است. ج) بر روی موضوع ها حساس است (لیپمن، ۱۹۸۸، ص ۶).

انفجار دانش و اطلاعات همراه با رشد تکنولوژی ارتباطات، جمع آوری، حفظ و بازیابی اطلاعات را افزایش داده و در نتیجه یادگیری شیوه یادگیری با استفاده از مهارت های سطح بالای تفکر، چون مهارت تفکر انتقادی ضرورت می یابد. در حال حاضر هر چه به سمت جامعه اطلاعاتی پیش می رویم، به همان نسبت مهارت های تفکر انتقادی به منظور پردازش اطلاعات در اولویت ویژه قرار می گیرد. به طوری که می توان گفت آموزش این مهارت، از عناصر مهم اصلاح آموزش و پرورش به شمار می رود و لازمه این امر، قبل از هر چیز این است که در نگرش ها و عادات ذهنی یادگیرنده تغییراتی پدید آید. یکی از راهبردهای ایجاد این تغییرات، آموزش مهارت های تفکر انتقادی است. آموزش تفکر انتقادی شامل ایجاد عمدی یک جو عدم تعادل است تا شاگردان بتوانند فرایند های فکری خود را اصلاح کرده یا دوباره از نو بسازند. متأسفانه در طول سال های طولانی تعلیم و تربیت، آگاهی ها و حقایق بی شماری به دانش آموز عرضه می شود، ولی نحوه تفکر و اصول اندیشیدن در او تقویت نمی شود. گویی استعداد اندیشیدن در جریان عمل به طور خودکار بروز می کند. یافته های پژوهش نشان دهنده فقر مهارت های نقد و ارزیابی در کلاس های درسی است و شاید به همین دلیل است که در حال حاضر تفکر انتقادی به عنوان یک کمبود در سطح

<sup>1</sup>. John a. Glover

<sup>2</sup>. Roger h. Bruning

<sup>3</sup>. Matthew lipman

جهان، نظر کارشناسان را به طور جدی به خود جلب کرده است (آنه تامسون<sup>۱</sup>، مترجمان هاشمیان نژاد، ملکی، ۱۳۸۲، ص ۱۱).

یکی از راههای آموزش تفکر انتقادی در دانش آموزان استفاده از محتوای کتب درسی می باشد. بنابراین پژوهش حاضر با مورد توجه قرار دادن مؤلفه های تفکر انتقادی از دیدگاه آقای ماتیو لیپمن، به بررسی جایگاه تفکر انتقادی در محتوای کتاب مطالعات اجتماعی دوره متوسطه پرداخته است.

## ۱-۲- بیان مسأله

یکی از ویژگی های اساسی انسان تفکر است. بسیاری از دانشمندان، انسان را حیوان متفکر می دانند و تفکر را فصل ممیزه انسان از حیوان قرار می دهند. با اینکه پاره ای از آزمایش ها نشان داده است که تفکر در سطح پایین و ابتدایی آن در میان بعضی از حیوانات دیده می شود با این حال «تفکر اساسی» مخصوص انسان است و انسان را نسبت به سایر حیوانات ممتاز می سازد (شریعتمداری، ۱۳۸۲، ص ۳۷۹). سولسو<sup>۲</sup>، تفکر را به عنوان فرایندی که از طریق آن یک بازنمایی ذهنی جدید به وسیله تبدیل اطلاعات و تعامل بین خصوصیات ذهنی، قضاوت، انتزاع، استدلال و حل مسئله ایجاد می گردد، تعریف می کند (سولسو، به نقل از ماهر، ۱۳۷۱، ص ۱۸). تفکر دارای شیوه های گوناگونی است که یکی از آنها، تفکر انتقادی است. تفکر انتقادی میل یا گرایش به سوی تعیین اعتبار، دقت، صحت و ارزش اطلاعات است، اطلاعاتی که فرد همواره در معرض آنها قرار دارد. مخصوصاً در جوامعی که رسانه های جمعی، کتب و مطالب نوشتاری و دیداری وقت زیادی از مردم را می گیرند و گاه اطلاعات متناقض و جهت داری را مطرح می کنند. در این مواقع است که تشخیص درست از نادرست، درستی یا نادرستی اطلاعات مطرح شده حائز اهمیت است.

مایرز<sup>۳</sup>، تفکر انتقادی را شناسایی استدلال های غلط، پرهیز از تناقضات و مفروضات اظهار شده و اظهار نشده در بحث های دیگران، عدم هیجان عاطفی هنگام روبرو شدن با مسأله یا عدم تعادل

---

<sup>۱</sup> . Anne Thomson

<sup>۲</sup> . Soul sow

<sup>۳</sup> . Chet Meyers

تعریف کرده است (مایرز، به نقل از شعبانی، ۱۳۸۲، ص ۷۷). لیپمن تفکر انتقادی را شامل تجدید نظر و بازسازی و بررسی دقیق افکار می داند (لیپمن، ۱۹۸۸، ص ۸). واتسون گلاسر<sup>۱</sup> در تعریف تفکر انتقادی می گوید: تفکر انتقادی فعالیتی است مداوم در جهت بررسی عقاید و نظرات، بر مبنای دلایل مؤید آنها و نتایجی که پیامد آنهاست (تامسون، ترجمه هاشمیان نژاد، ملکی، ۱۳۸۲، ص ۱۹). انیس<sup>۲</sup> (۱۹۸۵) تفکر انتقادی را تصمیم معقولانه و تیزبینانه درباره این که چه چیزی را باور کنیم و یا چه چیزی را انجام دهیم، می داند (ملکی، ۱۳۸۶، ص ۹۹). هاشمیان نژاد در تعریف تفکر انتقادی می گوید: تفکری است مستدل و منطقی به منظور بررسی و تجدید نظر عقاید، نظرات، اعمال و تصمیم گیری درباره آنها بر مبنای دلایل و شواهد مؤید آنها و نتایج درست و منطقی که پیامد آنها است (هاشمیان نژاد، ۱۳۸۰، ص ۱۸).

جان دیوئی<sup>۳</sup>، مربی و فیلسوف بزرگ امریکایی، تعلیم و تربیت را رشد قوه قضاوت افراد تعریف می کند (شریعتمداری، ۱۳۸۲، ص ۳۷۹). رشد قوه قضاوت بدون پرورش تفکر میسر نیست. از این رو می توان گفت، پرورش شیوه های مختلف تفکر، بویژه تفکر انتقادی یکی از اهداف اساسی نظام تعلیم و تربیت محسوب می شود. مهارت های تفکر انتقادی نیز مانند سایر مهارت های فکری قابل پرورش هستند و یکی از مهمترین راههای پرورش تفکر انتقادی، آموزش است و مدرسه کانون آموزش و کتاب های درسی مهمترین وسیله آموزش تلقی می شوند که غالباً اهداف آموزش و پرورش از طریق آنها قابل تحقق است. از این رو کتاب های درسی چنانچه به درستی تدوین شوند، می توانند نقش مؤثری را در آموزش تفکر انتقادی ایفاء نمایند. آموزش تفکر انتقادی تنها آموزشی است که گذر از ساده نگری و پذیرش بی چون و چرای مسائل را به ژرف نگری و انتخاب آزادانه تسهیل می کند و توانایی انسان را برای درک مسائل افزایش می دهد.

مهارت های تفکر انتقادی از نظر صاحب نظران مختلف را می توان به دو دسته کلی تقسیم کرد. صاحب نظران گروه اول، مانند اسمیت<sup>۴</sup>، بیشتر به بعد عاطفی تفکر انتقادی اهمیت می دهند و از بعد شناختی آن غافل هستند. اما در گروه دیگر، معتقدان به وجود مهارت های خاص برای پرورش تفکر انتقادی، از جمله کسانی مانند: بیر<sup>۵</sup> (۱۹۸۳)، لیپمن (۱۹۸۸)، نیدلر<sup>۶</sup> (۱۹۸۴)، ریچارد پل (۱۹۹۳) و

---

1. Watson Glaser  
2. Robert Ennis  
3. John Dewey  
4. Smith  
5. Beyer  
6. Ned leer

رابرت انیس (۲۰۰۲) قرار دارند، که هر کدام مؤلفه های خاصی را برای مهارت تفکر انتقادی ارائه نموده اند (تفنگدار، ۱۳۸۶، ص ۲). با این حال شاید بتوان گفت مؤلفه های ارائه شده توسط لیپمن در نوع خود جامع ترین آنها است و مهمترین مؤلفه های مهارت انتقادی را شامل، مهارت سؤال کردن، ارزیابی شواهد و اظهارات، استدلال کردن، تفسیر کردن، جمعی بودن، قضاوت صحیح درباره مسائل، تحلیل و ارزیابی، منطقی بودن و صراحت داشتن می داند.

دوره متوسطه یکی از دوره های حساس تحصیلی است که در آن دانش آموزان به دلیل پشت سر گذاشتن دوران بلوغ، از نظر ماهیت و نوع تفکر دچار تحولات اساسی شده و به تفکر انتزاعی دست یافته است و زمینه لازم برای کسب مهارت های انتقادی بیش از دوره های قبلی فراهم است. بنابراین، برنامه های درسی این دوره باید به نحوه شایسته ای روحیه تحقیق، خلاقیت و نقادی در تحلیل موضوعات و مسائل اجتماعی را در آنها پرورش دهد. بر اساس آنچه مطرح شد، می توان گفت مسأله اساسی این پژوهش آن است که:

تا چه حد محتوای کتاب مطالعات اجتماعی سال اول دوره متوسطه بر پرورش مهارتهای تفکر انتقادی در فراگیران تاکید دارد؟

### ۳-۱- اهمیت و ضرورت مسأله

تربیت شهروندانی متفکر، خلاق، نقاد و دارای بینش علمی تنها در سایه ی انتقال اطلاعات به ذهن شاگردان حاصل نمی شود بلکه در برنامه های مدارس باید محتوا و روش هایی گنجانده شود که از طریق آن ها دانش آموزان قابلیت های چگونگی آموختن را از طریق نظم فکری بیاموزند و در زندگی روزمره ی خود به کار ببرند. محتوای برنامه درسی باید دانش آموزان را به جای وادار ساختن به ذخیره سازی حقایق علمی، آنها را برای مواجهه با مسائل واقعی زندگی آماده سازند. آمار بالای افت تحصیلی، کاهش کیفیت یادگیری و عدم بکارگیری آموخته ها در تجربیات شخصی زندگی (جمعی و فردی) از نشانه های بارز وجود چالش در آموزش و پرورش هستند.

تفکر انتقادی یک هدف مجزا و نا مربوط با دیگر اهداف مهم در آموزش و پرورش نیست. بلکه یک هدف اصلی است که به خوبی تسهیل هایی را به طور همزمان و رنگین کمانی از دیگر اهداف ارائه می دهد. این بهترین استعاره است، بنابراین تفکر انتقادی به عنوان مرکزی است که تمام اهداف آموزشی حول آن می چرخند (انجمن تفکر انتقادی، به نقل از رازبالت، ۲۰۰۱، ص ۴).



متأسفانه علی‌رغم تاکید و توجه به مسأله تفکر در اهداف نظام‌های آموزشی و ادعاهای مسئولان، متصدیان و مجریان آموزشی، در عمل برای تشویق دانش‌آموزان در جهت تفکر و به ویژه به کارگیری تفکر انتقادی اراده و انگیزه کافی وجود ندارد. معلمان نیز با وجود اظهاراتی که حاکی از پذیرفتن این فرض است که تفکر انتقادی راه را برای آموزش بیشتر و بهتر هموار می‌کند، همواره با شیوه‌های قالبی و حذف حقایق و ایجاد محیط خشک انضباطی، زمینه را برای حفظ کردن اطلاعات درسی فراهم می‌کنند. در حقیقت، ادعای نظام‌های آموزشی همیشه بهتر از عملکرد آن‌ها است. آنان نمی‌دانند که هدف از فعالیت‌های آموزشی در مدرسه، از بر کردن و آموختن مطالبی که چندان ارتباطی با زندگی شاگردان ندارد، نیست. بلکه آن‌چه که باید محور فعالیت‌های آموزشی قرار گیرد این است که شاگردان بیاموزند چگونه فکر کنند و چگونه قضاوت کنند تا بتوانند درباره آینده خود و آینده جامعه خود تصمیم بگیرند (شعبانی، ۱۳۷۷، ص ۷۵).

به نظر دوبونر<sup>۱</sup> در جهان جدید، هر فردی باید مهارت‌های تفکر را به عنوان مهارت‌های زندگی برای کاربرد در خود ایجاد نماید و این برای معنا بخشی به یک جهانی که بشریت در حال پیچیده شدن در جریان دموکراتیک و برای رشد رقابت صنعتی، ضروری است (هاشمیان نژاد، ۱۳۸۰، ص ۳۶). دوبونر در ضرورت پرداختن به امر تفکر انتقادی در برنامه درسی می‌گوید: حرکت بشر در این برهه از حیات خود، نیاز به یک رهبری عملیاتی دارد که با دقت و ظرافت و توأم با زیبایی مهندسی شود (همان منبع، ص ۴۶).

اگر مسئولان و متخصصان تعلیم و تربیت می‌خواهند که افراد آینده جامعه مان، یعنی همین دانش‌آموزان کنونی مدارس در آینده افرادی مفید برای جامعه باشند و نظام آموزشی نیز با موفقیت وظیفه خود را انجام دهد، لازم است که به تفکر انتقادی به منزله یک ضرورتی انکار ناپذیر در مسائل علوم تربیتی و آموزش و پرورش توجه کنند. همچنین ضرورت دارد که در برنامه‌های مدارس روش‌هایی اتخاذ کنند که به یاری آنها دانش‌آموزان قابلیت‌های چگونه آموختن را به روش انتظام فکری بیاموزند، زیرا معرفت در فرایند اندیشه منظم رشد می‌یابد و محیط‌های آموزشی و روش‌های حاکم بر آن‌ها در تحقق یافتن این اهداف نقش اساسی دارند. پس لازم است دانش‌آموزان بیاموزند که به جای ذخیره سازی حقایق، با مسائلی که در زندگی روزمره با آنها مواجه می‌شوند، درگیر شوند (ملکی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۶).

---

<sup>۱</sup> . Doboner

به طور کلی در زمینه ضرورت و اهمیت تفکر انتقادی به موارد زیر می توان اشاره کرد:

- ۱) تفکر انتقادی یکی از ابعاد اساسی وجود انسان است و پرورش آن سبب رشد آدمی می شود.
- ۲) تفکر انتقادی منطبق با ویژگی های عقلانی انسان مانند کنجکاوی و ترقی طلبی است.
- ۳) کاربردی کردن یادگیری یا یادگیری بر اساس فعالیت خود یاد گیرنده انجام می شود.
- ۴) متناسب با ویژگی های عصر فرا صنعتی و تغییر و تحول فزاینده آن است.
- ۵) برگرفته از اهداف اساسی تعلیم و تربیت است (هاشمیان نژاد، ۱۳۸۰، ص ۸).

درس مطالعات اجتماعی از جمله دروسی است که با هدف ایجاد مهارت و توانایی تجزیه و تحلیل مسائل و موضوعات اجتماعی برای دانش آموزان دوره متوسطه پیش بینی شده است. انجمن ملی مطالعات اجتماعی اعلام نمود که هدف آموزش مطالعات اجتماعی باید پرورش شهروند شایسته و تقویت شایستگی مدنی باشد. افراد به عنوان شهروندان جامعه باید قادر به اخذ تصمیمات منطقی در جامعه دموکراتیک باشد و تأکید بیشتر بر کاربرد دانش در انجام وظایف باشد که مستلزم کاربرد سطوح بالاتر تفکر است. شهروندان شایسته یعنی افرادی که قادر به اخذ تصمیمات منطقی می باشند و راه حل های عقلانی در جهت حل مشکلات اجتماعی و مدنی ارائه می دهند و قادر به تحلیل و ایجاد ارتباط بین اطلاعات در جهت حل مسائل هستند (عباسی، ۱۳۸۰، ص ۸۱). میالاره<sup>۱</sup> آرمان اساسی مورد تعقیب در آموزش علوم اجتماعی به نوجوانان را پرورش روحیه انتقادی می داند و می گوید: «ایجاد روحیه انتقادی نسبت به میدان ارتباطات و موقعیت ها و اطلاعات اجتماعی هدف نهایی آموزش علوم اجتماعی است» (میالاره، ترجمه شجاع رضوی، ۱۳۷۱، ص ۳۱۰).

البته این امر، در نظام های آموزشی متمرکز، نظیر ایران که محتوا در قالب کتب درسی ارائه می شود و کتاب درسی، محور آموزش و یادگیری است از حساسیت بیشتری برخوردار است و به همین اعتبار فقدان آن موجب سرگردانی مربی و فراگیر می شود. به ویژه که ارزشیابی از میزان یادگیری در چنین شرایطی اغلب موقوف به محتوای کتاب است و شاید بی دلیل نباشد که چنین نظام های آموزشی را کتاب محور می نامند و نقطه مقابل آن را برنامه محور تلقی می کنند. این بحث بخصوص در دوره های آموزشی عمومی بیشتر مصداق دارد (معروفی، یوسف زاده، ۱۳۸۸، ص ۹۸).

---

<sup>۱</sup> . Meal are

بنابراین به نظر می‌رسد که یکی از راههای بالا بردن توان و کیفیت یادگیری دانش آموزان آموزش شیوه تفکر، از جمله تفکر انتقادی است. انتظار این است کتاب های درسی، مخصوصاً کتاب مطالعات اجتماعی به گونه ای تدوین شود که بتواند به تقویت مهارت های تفکر انتقادی در دانش آموزان دوره متوسطه منجر شود.

#### ۴-۱- اهداف پژوهش

اهدافی را که این پژوهش در پی تحقق آن است عبارتند از:

##### ۱-۴-۱- هدف کلی:

شناسایی میزان توجه به پرورش مهارت های تفکر انتقادی در محتوای کتاب مطالعات اجتماعی سال اول دوره متوسطه.

##### ۱-۴-۲- اهداف جزئی:

- ۱- تعیین میزان تأکید محتوای کتاب مطالعات اجتماعی دوره متوسطه بر مهارت سؤال کردن.
- ۲- تعیین میزان تأکید محتوای کتاب مطالعات اجتماعی دوره متوسطه بر مهارت تحلیل و ارزیابی.
- ۳- تعیین میزان تأکید محتوای کتاب مطالعات اجتماعی دوره متوسطه بر مهارت استدلال کردن.
- ۴- تعیین میزان تأکید محتوای کتاب مطالعات اجتماعی دوره متوسطه بر مهارت ارزیابی شواهد و اظهارات.
- ۵- تعیین میزان تأکید محتوای کتاب مطالعات اجتماعی دوره متوسطه بر مهارت تفسیر داده ها.
- ۶- تعیین میزان تأکید محتوای کتاب مطالعات اجتماعی دوره متوسطه بر مهارت جمعی بودن.
- ۷- تعیین میزان تأکید محتوای کتاب مطالعات اجتماعی دوره متوسطه بر مهارت قضاوت صحیح درباره مسائل.
- ۸- تعیین میزان تأکید محتوای کتاب مطالعات اجتماعی دوره متوسطه بر مهارت منطقی بودن.
- ۹- تعیین میزان تأکید محتوای کتاب مطالعات اجتماعی دوره متوسطه بر مهارت صراحت داشتن.

## ۱-۵- سوالات پژوهش:

### سؤال اصلی:

تا چه حد محتوای کتاب مطالعات اجتماعی سال اول دوره متوسطه بر پرورش مهارت های تفکر انتقادی تأکید دارد؟

### سوالات تحقیق:

سؤال اول: تا چه حد محتوای کتاب مطالعات اجتماعی دوره متوسطه بر مهارت سؤال کردن تأکید دارد؟

سؤال دوم: تا چه حد محتوای کتاب مطالعات اجتماعی دوره متوسطه بر مهارت تحلیل و ارزیابی تأکید دارد؟

سؤال سوم: تا چه حد محتوای کتاب مطالعات اجتماعی دوره متوسطه بر مهارت استدلال کردن تأکید دارد؟

سؤال چهارم: تا چه حد محتوای کتاب مطالعات اجتماعی دوره متوسطه بر مهارت ارزیابی شواهد و اظهارات تأکید دارد؟

سؤال پنجم: تا چه حد محتوای کتاب مطالعات اجتماعی دوره متوسطه بر مهارت تفسیر داده ها تأکید دارد؟

سؤال ششم: تا چه حد محتوای کتاب مطالعات اجتماعی دوره متوسطه بر مهارت جمعی بودن تأکید دارد؟

سؤال هفتم: تا چه حد محتوای کتاب مطالعات اجتماعی دوره متوسطه بر مهارت قضاوت صحیح درباره مسائل تأکید دارد؟

سؤال هشتم: تا چه حد محتوای کتاب مطالعات اجتماعی دوره متوسطه بر مهارت منطقی بودن تأکید دارد؟

سؤال نهم: تا چه حد محتوای کتاب مطالعات اجتماعی دوره متوسطه بر مهارت صراحت داشتن تأکید دارد؟